



ترجمه:

دکتر بهروز عبدلی
استادیار دانشکده‌ی
تربیت بدنی
و علوم ورزشی
دانشگاه شهید بهشتی

در زمینه‌ی ورزش، رفتار اخلاقی به عنوان اخلاق ورزشی یا منش ورزشکاری شناخته می‌شود. اعتقاد بر این است که شرکت در ورزش، منش را رشد می‌دهد و ایده‌آل‌های اخلاقی یک فرهنگ را، به کودکان و نوجوانان ورزشکار تزریق می‌کند [استانتز و ویس^۱، ۲۰۰۳]. ورزش به علت هیجان‌های گوناگون و موقعیت‌های غیرقابل پیش‌بینی، توان بالقوه‌ای برای رشد رفتار اخلاقی دارد [کوکلی^۲، ۲۰۰۱]. ورزش محیط

مناسبی برای آموزش صفات درست‌کاری و صداقت، وفاداری، خویشتن‌داری و انصاف فراهم می‌آورد. شرکت‌کنندگان، بین جنبه‌های قراردادی اجتماعی منش ورزشکاری و جنبه‌های اخلاقی ورزش تمایز قائل می‌شوند. جنبه‌های قراردادی اجتماعی ورزش، به معنی حفظ ساختار سازمان اجتماعی است؛ مانند دست دادن با حریف پس از مسابقه‌ی رقابتی تنیس، نه ناسزاگفتن یا تحقیر حریف. جنبه‌های اخلاقی

ورزش ریشه در صداقت، وفاداری، کارگرومی، خویشتن‌داری و بازی جوانمردانه دارد.

با این حال، تا کنون هیچ‌گونه تحقیقات طولی برای اثبات رشد اخلاقی در زمینه‌ی ورزش انجام نشده است. هم‌چنین درباره‌ی ساختن منش از طریق ورزش و این‌که آیا ورزش موجب بهبود، تأخیر یا تأثیر کمی بر استدلال و رفتار اخلاقی در درون یا بیرون از زمین بازی می‌شود، اطلاعات اندکی وجود دارد [شیلدز، بردمیر^۳، ۱۹۹۵؛ آرنولد^۴، ۲۰۰۱؛ استانتز و ویس، ۲۰۰۳].

بنابراین، دست دادن و تبریک گفتن به حریف پس از مسابقه، مثال‌هایی از رفتارهای اخلاقی نیستند، بلکه هنجارهای پذیرفته شده‌ی رفتار قراردادی هستند. رفتارهای اخلاقی، رفتارهایی ارادی‌اند که به دیگران فایده می‌رسانند. خودداری از دروغ‌گویی و پرهیز از تقلب و ارباب بازیکنان حریف، رفتارهایی اخلاقی هستند که با احترام به حقوق دیگران کنترل می‌شوند.

رشد اخلاقی شامل تغییر در نگرش، احساسات و رفتارهای فرد در ارتباط با درست و غلط و افزایش قدرت وجدان است. روان‌شناس رشد شناختی، کلبیگ^۵ (۱۹۸۱) و (۱۹۸۴)، یک مدل سلسله‌مراتبی سه سطحی رشد اخلاقی را پیشنهاد کرد که می‌تواند به شش مرحله تقسیم شود. اگرچه مدل او به علت تأکید زیاد روی تفکر اخلاقی و تأکید ناکافی بر رفتار اخلاقی مورد انتقاد قرار گرفته است [آرنولد، ۲۰۰۱؛





شکل ۱. مراحل که به پیدایش رفتار اخلاقی می انجامد

مراحلی است که به پیدایش رفتار اخلاقی منجر می شود.

برای مثال، یک بازی توپی رقابتی را فرض کنید که در آن امتیازات مساوی است و زمان می رود که به پایان برسد. یکی از دو تیم باید توپ را به دست آورد و شانس خود را برای پیروزی امتحان کند. شما ممکن است بازی را متوقف کنید، دانش آموزان را بنشانید و مسئله را بیان کنید: «آیا خوب است که عمداً روی حریف خود خطا کنید یا برای داشتن زمان پایانی، به حریف آسیب برسانید؟» این سؤال ممکن است پاسخ های متفاوتی را موجب شود که در موافقت یا مخالفت برای خطا کردن و آسیب رساندن به حریف باشد و فرصتی را برای شما به عنوان مربی و معلم فراهم کند تا در بازیکنان رشد اخلاقی ایجاد کنید.

بنابراین، ورزشکاران کودک و نوجوان به معلمان و مربیانی نیاز دارند که نه فقط شایسته، دارای صلاحیت، مطمئن و با انگیزه باشند، بلکه در مربیگری و حمایت از ورزشکار، در درجه ی اول به عنوان انسان، و در درجه ی دوم به عنوان ورزشکار، ثابت قدم و منصف باشند.

چیزی است که مورد قبول کل جامعه باشد و بعضی قوانین غیر منصفانه و ناعادلانه هستند و می توانند تغییر یابند. رفتار شخصی در این سطح، نه به وسیله ی قانون، بلکه با تصمیم شخص درباره ی صحیح و غلط تنظیم می شود. به عقیده ی کلبرگ، در مرحله ی ششم، یعنی مرحله ی اصول اخلاقی جامع، فرد بالاترین سطح اخلاقی را نشان می دهد. در این مرحله، فرد درست و غلط را در چارچوبی منطقی، پایدار و جامع تعیین می کند.

رشد اخلاقی به طور خودبه خود ایجاد نمی شود، بلکه نیازمند زمینه ی اجتماعی است که در آن می توان، به مسائل اخلاقی دامن زد و آن ها را حل و یا بازسازی کرد. فعالیت هایی مانند بازی و ورزش، زمینه ی مناسبی فراهم می آورند که در آن می توان، همه ی سطوح رفتار اخلاقی را مشاهده کرد. در چنین زمینه ای است که رشد اخلاقی واقعی رخ می دهد. ناهماهنگی، یعنی ناهم خوانی یا تفاوت بین «آنچه هست» و «آنچه باید باشد»، رخ نمی دهد، مگر این که فرایند تفکر تحریک شود. اگر ناهماهنگی رخ ندهد، بعید است که رشد اخلاقی ایجاد شود. برای مثال، ورزش و فعالیت بدنی می تواند منش را بسازد، اما تنها موقعی منش ورزشکاری رشد می یابد که محیط و زمینه ی فعالیت ساختار بندی شود. شکل گیری منش ورزشکاری، حاصل خودبه خود شرکت در فعالیت ورزشی نیست و از طریق ناهماهنگی شناختی، با وجود مربی علاقه مند و تجارب متناسب رشدی حاصل می شود. شکل ۱، طرحواره ای از

سانتروک^۶، [۲۰۰۵]، ولی این مدل نمونه ای عالی است که نشان می دهد، چگونه استدلال اخلاقی، وقتی به آن از چشم انداز رشدی نظر شود، می تواند رخ دهد.

سطح اول این مدل، به عنوان «اخلاق پیش قراردادی» شناخته می شود که مشخصه ی کودکان پیش دبستانی و کلاس اول دبستان است. در این سطح، کودک خود محور است، از تنبیه دوری می کند و به قدرت پاسخ می دهد. در مرحله ی اول این سطح، کودک با فلسفه ی «هر آن چه که احساس خوبی به او می دهد صحیح است»، عمل می کند. در مرحله ی دوم، مفهوم «تا موقعی که گرفتار نشده ای، همه چیز خوب است»، غلبه دارد.

در سطح اخلاق پیش قراردادی، در کودک علاقه ی واقعی به تحسین پیروزی و خشنود کردن دیگران وجود دارد.

مورد علاقه بودن و مطابقت با هنجارهای گروه، هدف های مهم فردی در مرحله ی سوم این سطح هستند. در مرحله ی چهارم، یعنی مرحله ی قانون و نظم، فرد تشخیص می دهد که رفتار با قانون جامعه کنترل می شود و این قوانین آن چه را صحیح است، تعیین می کند. عمل در سطح قراردادی، مشخصه ی دوره ی کودکی و نوجوانی است. بعضی متخصصان معتقدند که بیشتر افراد از مرحله ی چهارم فراتر نمی روند. در سطح اخلاق پس قراردادی، فرد بیش از این که «دیگر وابسته» باشد، «درون وابسته» است. در مرحله ی پنجم، یعنی مرحله ی قراردادی اجتماعی، فرد تشخیص می دهد، صحیح همان

منابع

Gallahue, David.L. and Ozmun, Johnc, (2006). " understanding Motor Development". sixth edition. Mc Graw-Hill.

پی نویسی

1. Stuntz and weiss
2. Coakley
3. Shields and Bredemeier
4. Arnold
5. Kohlberg
6. santrock